

واکاوی طرح تحول اقتصادی



علی کمال

بخش نخست

شرکت کنندگان در میزگرد



مونس عمادزاده: دکترای تخصصی در اقتصاد نظری، مدیر گروه دوره کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی سازمان مدیریت صنعتی، مدرس مباحث اقتصادی و بازرگانی



غلامرضا سلامی: رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران، عضو شورای سیاستگذاری و هیئت تحریریه ماهنامه اقتصاد ایران، ارائه نزدیک به ۲۰۰ مقاله در حوزه‌های مالی و اقتصادی



محمود جامساز: دکترای اقتصاد از دانشگاه کالیفرنیا، مشاور اقتصادی شرکتهای بازرگانی و صنعتی، نویسنده و تحلیلگر اقتصادی، عضو تحریریه مجله حقوق و اقتصاد



مونس ایمانی: رافه دکترای در علوم اقتصادی با گرایش توسعه در برنامه ریزی، عضو هیئت علمی سازمان مدیریت صنعتی، مشاور اقتصادی



غلامرضا خلیل ارجمندی: دکترای پژوهشی مدیریت مالی از دانشگاه OWE آمریکا، دارای تخصص در تحلیل بازارهای پول و سرمایه کشور، دارای سوابق مدیریت و مشاوره در حوزه‌های مالی و اقتصادی.

اشاره

بر پژوهشهای کارشناسی و تجربه‌های اجرایی لازم نباشد، عدم موفقیت طرح را در پی دارد و به این ترتیب تردیدهای فراوانی در مورد چگونگی اجرای آن وجود دارد که ممکن است از همکاری مردم برای اجرای موفق آن کاسته شود.

اهمیت، پیامدها و نیز ضرورت بهره‌گیری از نظرها و دیدگاههای کارشناسان ارشد اقتصادی موجب شده است تا تدبیر نسبت به برگزاری میزگرد حاضر در این زمینه اقدام کند. برای شرکت در میزگرد از صاحب نظران و کارشناسان مختلف (اعم از موافق و منتقد) دعوت به عمل آمده بود و به رغم پیگیریهای فراوان، آقای مرتضی تمدن مشاور اقتصادی رئیس جمهور به علت مشغله کاری فرصت حضور در میزگرد را پیدا نکردند. با وجود این تدبیر برای رفع این خلاء، نکات مهمی از مصاحبه‌های وزیر امور اقتصادی و دارایی و نیز سخنگوی کارگروه طرح تحول اقتصادی را در این شماره به چاپ رسانده است که خوانندگان می‌توانند آن را در بخش حاشیه میزگرد مطالعه کنند.

تدبیر ضمن اعلام آمادگی برای دریافت هرگونه پیشنهاد و نقد سازنده پیرامون موضوع میزگرد، امیدوار است که با توجه به ابعاد گسترده طرح بتواند میزگرد دیگری را در این زمینه در آینده برگزار نماید.

مباحث میزگرد در دو بخش تقدیم علاقه‌مندان می‌شود. بخش نخست در این شماره و بخش پایانی در شماره آینده.

طرح تحول اقتصادی که در اوایل تیرماه سال جاری مطرح شد، بازتابها و واکنشهای گوناگونی را در میان گروههای مختلف از جمله اقتصاددانان، مدیران و کارشناسان داشته است. هر طرح اقتصادی بویژه طرح یادشده با این ابعاد گسترده، دارای ویژگیهای مثبت و منفی است و موافقتها و مخالفتهایی را نیز به همراه دارد.

ارائه دهندگان طرح بر این باورند که جهت‌گیری اصلی طرح به سمت رشد تولید و ثروت، افزایش سرمایه‌گذاری، نوسازی نظام آمار، رانت‌زدایی و توزیع عادلانه منابع و فرصتها، صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری است. هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح ساختار گمرکی، اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح ساختار بانکی، اصلاح نظام توزیع کالاها و خدمات، اصلاح ساختار دولت، و ارزشگذاری پول ملی محورهای هفتگانه طرح را تشکیل می‌دهند.

موافقان طرح می‌گویند که راهکارهای موردنظر دولت برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور در جهت مناسبی قرار دارد. در مقابل، منتقدان اعتقاد دارند که تمامی محورها یا نظامهای طرح از مصوبات برنامه‌های مختلف توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در پیاده‌کردن آنها توفیق لازم به دست نیامده است. بنابراین دلایل و عواملی که به تدوین این طرح منجر شده است، برای آنها روشن و شناخته شده نیست. همچنین بر پایه اظهارات این گروه، اجرای هر طرح بنیادی اگر متکی

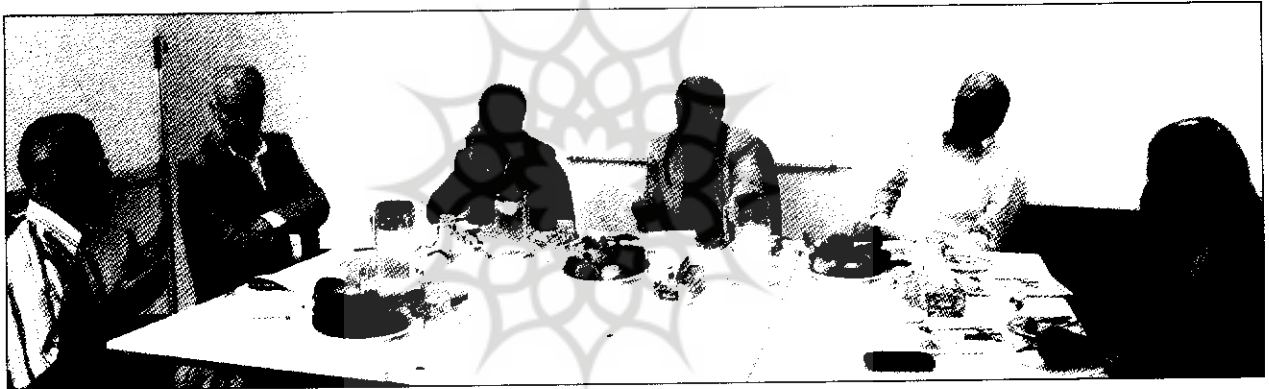
دکتر عمادزاده: ضمن خوشامدگویی به دوستان عزیز برای شرکت در این گفتگو، مطلعید که طرح تحول اقتصادی دولت نهم، امروز یکی از مطرح‌ترین مقوله‌ها در فضای زندگی مردم و از موضوعهای مورد توجه مدیران و فعالان اقتصادی است. هدفهایی که این طرح دنبال می‌کند همگی در جهت بهبود اوضاع اقتصادی و رفع عدم تعادل است. در عین حال در نوشته‌ها و گفته‌های فعالان اقتصادی کشور به وضوح شاهدیم که همگی از اینکه طرح تحول اقتصادی در صورت عدم اجرای صحیح به یک معضل بزرگ ملی تبدیل می‌شود، هراس فراوان دارند.

بوده است که طرح تحول اقتصادی آن را هدف‌گیری کرده است. اما با توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگی جامعه و آثار تورمی نقدی کردن یارانه‌ها، آیا این نقطه شروع مناسبی است؟ یا لازم بود کار را با یکی دیگر از محورهای طرح تحول اقتصادی همچون اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح نظام بانکی، رفع موانع پایه‌ای بهره‌وری، اصلاح نظام ارزی، خصوصی سازی و اصلاح ساختار و اندازه دولت آغاز می‌کردیم؟

● گفته می‌شود که در مجموع یارانه‌های حامل‌های انرژی سالانه بالغ بر ۹۰ هزار میلیارد تومان است. پرداخت مستقیم این یارانه‌ها و اصلاح قیمت حامل‌های

متعلق به نسل حاضر و نسل‌های آینده است. دولت به عنوان متولی دارایی‌های عمومی موظف است هر دارایی را به دارایی دیگر تبدیل و در اختیار صاحبان آن قرار دهد. تبدیل این داراییها به وجه نقد و پرداخت آن تحت عنوان «یارانه مستقیم» تا چه میزان ممکن است تبدیل ثروتهای عمومی به سایر ثروتهای مولد را مخدوش کند؟ آیا نباید به طور اساسی مساله پرداخت یارانه نفت و گاز را مورد تجدیدنظر قرار دهیم؟ آیا این طرح حضور دولت را در اقتصاد کشور حتی از اندازه فعلی بیشتر و بزرگتر نمی‌کند؟

● برخی معتقدند بخشی از آنچه در



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بخشی از دغدغه‌ها به دلیل نادانسته‌های ما و بخشی دیگر به علت دانسته‌های ما از طرح تحول اقتصادی است، که البته باید توجه داشت که نادانسته‌های ما در حال حاضر بسیار بیشتر از دانسته‌های ما است. در واقع، این نادانسته‌های ما از طرح تحول است که پرسشهای گوناگونی را در مقابل ما قرار می‌دهد و ما علاقه‌مندیم در این فرصت پیرامون بعضی از این پرسشها تبادل نظر کنیم، برخی از پرسشها از این قرارند:

● هدفمند کردن یارانه‌ها به طور مطمئن یکی از خواسته‌های اساسی دولتهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی

انرژی این سوال را پیش می‌آورد که انجام همزمان هر دو اقدام که در دستور کار دولت قرار دارد چگونه تامین مالی می‌شود؟ آیا قرار است در مرحله اول انرژی به قیمت اصلی فروخته شود و در مرحله دوم منابع حاصله را به طور مستقیم در اختیار مردم قرار دهیم؟ یا آنکه انجام هر دو اقدام را به طور همزمان با تامین مالی آن از منابع دیگر پشتیبانی کنیم. در هر صورت آیا تبعات تورمی تزریق ۹۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی به جامعه، در نظر گرفته شده است؟

● کارشناسان بر این باورند که نفت و گاز، یک موهبت الهی و یک دارایی ملی

مورد طرح تحول اقتصادی گفته شده است، بازخوانی مفاد قانونهای توسعه در دوره‌های قبل است. هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح نظام بانکی، بهبود بهره‌وری، همه گیر کردن نظام آموزشی و غیره همگی از مصوبات برنامه‌های مختلف توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است، اما در پیاده کردن آنها توفیق لازم به دست نیامده است. چه دلایلی می‌تواند علت پیاده کردن طرح تحول اقتصادی تلقی شود؟ آیا این عوامل به بحث کارشناسی گذاشته شده است؟

● اجرای هر طرح اساسی و بنیادی

ضرورت اصلاح قیمتها

دکتر سید شمس‌الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: اصلاح قیمت در هدفمند کردن یارانه‌ها اجتناب ناپذیر است، اما روشهای اصلاح قیمت با سه جهت‌گیری ترجیحی، تبعیضی و مرحله‌ای صورت می‌گیرد.

وی که در نشست مجلس خبرگان رهبری، طرح تحولات اقتصادی را تشریح می‌کرد، در مورد روش ترجیحی در اصلاح قیمت حاملهای انرژی گفت: در حاملهایی مثل گاز که مصرف واسطه‌ای در تولید و مصرف نهایی آن به وسیله مصرف‌کننده صورت می‌پذیرد، ترجیح یا تخفیف قیمتی به نفع تولید در مقایسه با مصرف اعمال می‌شود. دکتر حسینی در مورد روش تبعیضی اصلاح قیمتها افزود: در مواردی که امکان جداسازی بازارها وجود داشته باشد، براساس دو معیار بهره‌وری مصرف و حاشیه سود، تبعیض قیمت البته به صورت محدود اعمال می‌شود.

اصلاح قیمتها از مبانی طرح تحول اقتصادی است که با جهت‌گیری‌های سیاستهای کلی اصل ۴۴ مبنی بر توسعه فعالیتهای بخشهای تعاونی و خصوصی به صورت کامل سازگار است؛ زیرا در غیر این صورت انگیزه این بخشها برای حضور در فعالیتهای اقتصادی ضعیف خواهد شد. اصلاح قیمتها نه یکباره و نه تدریجی، بلکه مرحله‌ای است و برای مرحله بندی به معیارهایی چون اثرات آن بر روی قیمتها، هزینه تولید، بودجه خانوارها و بودجه دولت توجه شده و پنج کمیته تخصصی با حضور دستگاه مرتب در حال نهایی کردن محاسبات و تدوین بسته‌های سیاستی هستند.

دبیر کارگروه طرح تحولات اقتصادی با بیان اینکه نظام شناسایی جهت هدفمند کردن یارانه‌ها در دو شاخه شناخت گروههای اجتماعی و شناخت فعالیتهای اقتصادی آسیب‌پذیر در حال انجام است، گفت: طرح آمارگیری اطلاعات اقتصادی خانوارها و اتصال پایگاههای اطلاعاتی موجود و کنترل‌های چندگانه

اگر متکی بر پژوهشهای کارشناسی و تجربه‌های اجرایی لازم نباشد، می‌تواند آثار عدم موفقیت طرح را تا حد یک معضل ملی پیش ببرد. به نظر شما چه نوع بررسیهای کارشناسی و تجربی می‌تواند احتمال موفقیت طرح تحول اقتصادی را بیشتر کند؟ در حال حاضر (شاید به دلیل بی‌اطلاعی از ابعاد این طرح) تردیدهایی فراوانی در مورد چگونگی اجرای این طرح وجود دارد که ممکن است از همکاری مردم برای اجرای موفق آن بکاهد.

در یک نگاه کلی، طرح تحول اقتصادی عمدتاً بازگویی توصیه‌هایی است که در برنامه‌های توسعه قبلی داشته‌ایم.

همه ما تأیید می‌کنیم که باید یارانه‌ها هدفمند شوند و یا اینکه نظام بانکی کشور و نظام گمرکی نیاز به اصلاح دارند. اما اولویت دادن به این مسایل، اصلی‌ترین موضوع کار ماست. آنچه را که امروز در ادبیات اقتصادی به عنوان «اجماع واشنگتن» می‌شناسیم، بحثی است که بسیاری از این قضایا را مطرح و بررسی می‌کند، اما در عین حال پیش‌شرط همه آنها را داشتن یکسری نهادهای خاص و تعریف شده می‌داند. در غیر این صورت اجرای این طرحها همراه با موفقیت نخواهد بود.

با این هدف که، چگونه می‌شود راه‌حلی فراروی مسئولان مملکت برای اجرای موفق این طرح قرارداد، بحث امروز را دنبال می‌کنیم.

دکتر جامساز: اصولاً نظام اقتصادی دولتی بنابه تجارب تاریخی در همه کشورها فاقد ظرفیت‌های لازم برای پاسخگویی به نیازهای واقعی اقتصاد کشورهاست. نظام‌های اقتصاد دولتی سیستم ندارند، بلکه رژیم دارند؛ زیرا سازوکار خاصی برای ساماندهی و سلسله‌مراتبی برای فرماندهی بر آنها حاکم است. در صورتی که، در یک نظام اقتصاد آزاد، بایک نظم درونی مواجهیم که اداره اقتصاد را به عهده دارد. بنابراین

برای شناخت گروههای اجتماعی طراحی شده و وزارت صنایع و معادن و سازمان بورس در حال ارزیابی فعالیتهای اقتصادی و اثرات هدفمند کردن یارانه‌ها بر آنها هستند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به اینکه نظام مالیاتی در کارکردهای اصلی دچار کاستیهایی است، گفت: نظام مالیاتی حتی قادر به تامین هزینه‌های جاری کشور نیست و مالیات در کشور ما در جهت تعدیل توزیع درآمد و ثروت کارایی لازم را ندارد و در جهت هدایت و مدیریت اقتصاد نیز نقش ضعیفی دارد.

بنابراین اصلاح نظام مالیاتی باید با اجرای نظام اطلاعات یکپارچه مؤدیان به منظور شفافیت و پیشگیری از فرار مالیاتی، استاندارد کردن رویه‌ها، اجرای مالیات بر ارزش افزوده و احیا و اصلاح پایه‌های مالیاتی جدید چون مالیات بر مجموع درآمد، اصلاح مالیات بر نقل و انتقالات، اجاره مستغلات و اصلاح نرخهای استهلاك برای تشویق سرمایه‌گذاری به طور جدی دنبال شده و لایحه لازم تدوین شود.

دکتر حسینی در مورد اصلاح ساختار بانکی گفت: سیستم بانکی به رغم نکات قوت و گستردگی شبکه، دارای نقاط ضعف نیز است. نظام بانکی ما به شدت درگیر خرده بانکداری شده است، به طوری که ۸۵ درصد انرژی و زمان کارشناسی ما صرف این امر و تنها ۱۵ درصد صرف بانکداری کلان می‌شود که این مسئله عکس کشورهای با سیستم‌های نوین بوده و نتیجه این امر غیرتخصصی شدن بانکها و ناتوانی در ارزیابی طرحها و سرمایه‌گذاری‌های کلان است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی اظهار داشت: سه عامل تکانه‌های نفتی، وابستگی ساختاری بودجه به نفت و سیاست ارزی سبب افزایش نقدینگی شده است. وی افزود: در طرح تحول اقتصادی اصلاح نظام مالیاتی برای کاهش وابستگی بودجه به درآمد نفت، افزایش بهره‌وری در نظام بودجه ریزی و اصلاح نظام یارانه و سیاست ارزی، موضوعاتی هستند که با هم دیده شده است و اصلاح نظام توزیع کالاها و

خدمات، با پیشگیری از اختلالات در شبکه توزیع، از افزایش مصنوعی قیمت‌ها جلوگیری می‌کند.

وی با اعلام اینکه تاکنون ۱۰ گزارش درخصوص طرح تحول اقتصادی تهیه شده است، گفت: طرح تفصیلی در دست انجام است و کمیته‌های تخصصی با مشارکت دستگاه‌های مربوطه، مراکز پژوهشی و کارشناسان همکاری می‌کنند و جزئیات و سازوکارهای سیاستی در قالب بسته‌ها تدوین و ارائه خواهد شد.

دکتر سید شمس‌الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین در حاشیه همایش توانمندسازی تعاونی‌های تولیدی تاکید کرد: ابتدا قیمت‌ها باید اصلاح شود و بعد از آن پرداخت نقدی یارانه اتفاق بیفتد.

وی با بیان اینکه هیچ روش علمی و مدیریتی در هیچ جای دنیا وجود ندارد که بتوان براساس آن بدون اصلاح قیمت‌ها، به پرداخت نقدی یارانه‌ها اقدام کرد، گفت: امیدواریم با اصلاح قیمت‌ها و اتخاذ سیاست‌ها، افزایش قیمت‌ها در یک مرحله صورت گیرد و سپس این افزایش قیمت‌ها متوقف شود که در آن صورت نمی‌توان نام آن را تورم گذاشت. □

تصویب طرح اصلاح نظام توزیع

دکتر محمدرضا فرزین سخنگوی کارگروه طرح تحولات اقتصادی درباره آخرین تحول نظام بانکی گفت: ما امیدواریم با کمک بانک مرکزی، اصلاحات موردنظر را هر چه سریعتر آغاز کنیم. وی با بیان اینکه در نظام بانکی چهار موضوع اصلاحات رفتاری، توسعه بانکداری الکترونیکی، تقویت زیرساخت‌ها و واگذاری سه بانک ملت تجارت و صادرات محور تحول قرار خواهند داشت، افزود: در نظام ارزشگذاری پول ملی نیز به دنبال رفرم پولی و ایجاد یک نظام شناور مدیریت شده هستیم. وی درباره اعضای کارگروه در تحول بانکی گفت: در این کارگروه آقایان مظاهری، قضاوی و پاشایی قام از بانک مرکزی حضور دارند و تعامل مناسبی بین بانک مرکزی و کارگروه

رژیم اقتصاد دولتی نمی‌تواند به نیازهای واقعی یک اقتصاد پاسخ مناسبی بدهد که دلیل این موضوع هم دستوالعمل‌ها و قوانینی است که اغلب با قوانین ذاتی و ماهیتی علم اقتصاد مغایرند.

به‌عنوان مثال اگر درباره بازار و رقابت آزاد سخن می‌گوییم، با دخالت دولت و مقرراتی که وضع می‌کند، ارتباط خود را با مکانیسم عرضه و تقاضا که قانون ذاتی و ماهیتی علم اقتصاد است، قطع کرده‌ایم. به دلیل قوانین و مقررات حاکم بر رژیم اقتصاد دولتی، نارسایی‌هایی در اقتصاد به وجود می‌آید که متغیرهای فرمان‌ناپذیر اقتصادی آن را فریاد می‌کنند! ما سالهاست که در رژیم اقتصاد دولتی زندگی می‌کنیم و با توجه به تفکر اقتصاد دولتی که حاکمیت اقتصاد دولتی را در راستای منافع ملی ارزیابی می‌کند یا تلقی بسط و گسترش عدالت اجتماعی را دارد، به روشنی می‌بینیم که این ابزارها نمی‌توانند هدفها را تامین کنند. بنابراین شاهدیم که با توجه به تمام منابع باارزشی که داریم، فقر، فاصله طبقاتی، تورم مزمن دورقمی، بیکاری و سایر تبعات این معضلات اقتصادی، گریبانگیر مردم است.

الزامات اقتصاد جهانی

ازسوی دیگر باتوجه به روند اقتصاد جهانی و نیاز کشورها به پیوستن به کاروان جهانی، ما ناگزیریم که به اقتصاد جهانی بپیوندیم. پیوستن به اقتصاد جهانی، الزاماتی دارد که توسط سازمانهای بین‌المللی مانند IMF (بانک جهانی) و WTO تبیین و تدوین شده است.

نکته‌ای درباره «اجماع واشنگتن» فرمودند که در واقع ویلیام سون در سال ۱۹۸۹ این تعبیر را عنوان کرد. این الزامات توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای درحال توسعه و کشورهای با اقتصاد دولتی و عقب‌مانده توصیه شده است. بعدها دریافتند که سیاستهایی را که این کشورها به کار بردند، چندان هم موفق نبوده

تحولات اقتصادی در حال انجام است. سخنگوی کارگروه طرح تحولات اقتصادی نسبت به آغاز پرداخت نقدی یارانه‌ها اظهار داشت: به نظر ما کار مطالعاتی طرح در نیمه دوم سال پایان می‌یابد، اما به جهت اینکه باید یک سری مصوبات از مجلس گرفته شود، اجرای طرح منوط به زمان تصویب این قوانین است.

وی گفت: در حال حاضر هیچ رقم خاصی در رابطه با میزان یارانه نقدی قابل پرداخت مشخص نشده و تمامی ارقام مطرح شده، در حد شایعه است. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها شامل ۴ فاز نظام شناسایی، روش اصلاح قیمت، تحلیل آثار و روش بازپرداخت است، در حال حاضر نظام شناسایی از طریق مرکز آمار و تکمیل فرم‌های خانوار در حال انجام است و ۳ فاز بعدی در حال مطالعه است و نتایج آن نهایی نشده است. سخنگوی کارگروه طرح تحولات اقتصادی دولت یادآور شد: حامل‌های انرژی شکل‌های متفاوتی دارند و برای هدفمند کردن یارانه هر حامل انرژی برنامه و روش مشخصی وجود خواهد داشت، به عبارت دیگر با تمامی آنها به شکل یکسان برخورد نخواهد شد.

وی خاطر نشان کرد که طرح تفصیلی اصلاح نظام توزیع در کارگروه طرح تحولات اقتصادی تصویب شده و بزودی این طرح در زمان‌بندی مشخص اجرا می‌شود.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: بدیهی است علاوه بر استفاده از نظرات تخصصی مجلس در هر کجا که اصلاحات موردنظر در ۷ محور طرح تحولات اقتصادی نیاز به قانون داشته باشد، لایحه آن تقدیم مجلس خواهد شد. □

محورهای هفتگانه طرح تحول اقتصادی

۱. هدفمند کردن یارانه‌ها ۲. اصلاح ساختار گمرکی ۳. اصلاح ساختار مالیاتی
۴. اصلاح ساختار بانکی ۵. اصلاح نظام توزیع کالاها و خدمات ۶. ارزشگذاری پول ملی ۷. اصلاح ساختار دولت

است. بنابراین تعدیلاتی در توصیه‌ها صورت گرفت که مهمترین آنها این بود که گفتند، اصلاحاتی که در اقتصاد خود انجام می‌دهید باید برگرفته از نهادها و نیازهای واقعی اقتصاد کشورتان باشد و با سنتها و فرهنگ آن کشور تطبیق داده شود؛ زیرا نهادها در اغلب اوقات تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی کشورها هستند. نهادهای عقب‌مانده سنتی و مخالف توسعه باید متحول شوند و نهادهای جدیدی جای آنها را بگیرند که راه توسعه را هموارکنند. اما باید توجه داشت که همه این نهادها غیرتوسعه‌ای نیستند و تنها کافی است که اصلاح شوند. به همین دلیل در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه برای اینکه به اقتصاد جهانی بپیوندیم، الزامات اقتصاد جهانی مورد تأکید قرار گرفت و قرار شد در جهت آنها حرکت کنیم. این رویکردها، خود به‌تنهایی تحولاتی را در رژیم اقتصاد دولتی ایجاد می‌کرد و سیاستهای اصل ۴۴ هم در حقیقت تکمیل‌کننده این فرایند بود که به‌طور خاص، خصوصی‌سازی را تشریح می‌کرد و بندهای الف، ب، جیم و دال اگر به روش درستی اجرا شوند، تحول اساسی را در اقتصاد کشور ایجاد خواهند کرد. اما شاهدیم، با وجود اینکه سیاستهای کلی اصل ۴۴ ماهیت تحول‌گرا دارند، در عمل خصوصی‌سازی از روند واقعی خود خارج شد.

اما با توجه به معضلاتی که به تازگی در اقتصاد کشور رخ داده است و با توجه به درآمدهای نفتی که طبق آمار ارائه شده ۱۹۰ میلیارد دلار در سالهای ۸۶ و ۸۵ و ۸۴ و همچنین ۶۰ میلیارد دلار تا نیمه مرداد ماه سال جاری حاصل شد، می‌بینیم که به رغم منابع بیشتر، مشکلات اقتصادی ما بیشتر شد و تورم نیز شدت گرفت و رشد اقتصادی هم پیشرفت خاصی نداشت. دولت متوجه شد که مسائل، ریشه در ساختار اقتصادی کشور دارد و تصمیم گرفت در درون ساختارها کنکاش کند. طرح تحول اقتصادی در راستای همین تغییر نگرش دولت نسبت به اصلاحات

دیدگاه‌های مسئولان درباره طرح تحول اقتصادی:

اصلاح قیمت در هدفمند کردن یارانه‌ها اجتناب‌ناپذیر است، اما روشهای اصلاح قیمت با سه جهت‌گیری ترجیحی، تبعیضی و مرحله‌ای صورت می‌گیرد.

اصلاح قیمت‌ها از مبانی طرح تحول اقتصادی است که با جهت‌گیری‌های سیاستهای کلی اصل ۴۴ مبنی بر توسعه فعالیت‌های بخش‌های تعاونی و خصوصی به صورت کامل سازگار است.

نظام شناسایی برای هدفمند کردن یارانه‌ها در دو شاخه گروه‌های اجتماعی و شناخت فعالیت‌های اقتصادی آسیب‌پذیر در حال انجام است.

نظام بانکداری ما به شدت درگیر خرده بانکداری شده است.

اصلاح نظام توزیع کالاها و خدمات با پیشگیری از اختلالات در شبکه توزیع، از افزایش مصنوعی قیمت‌ها جلوگیری می‌کند.

سه عامل تکانه‌های نفتی، وابستگی ساختاری بودجه به نفت و سیاست ارزی سبب افزایش نقدینگی شده است.

ابتدا باید قیمت‌ها اصلاح شود و بعد از آن پرداخت نقدی یارانه‌ها اتفاق بیفتد.

در نظام بانکی چهار موضوع اصلاحات رفتاری، توسعه بانکداری الکترونیکی، تقویت زیرساخت‌ها، و واگذاری سه بانک دولتی، محور تحول قرار خواهند داشت.

علاوه بر استفاده از نظرات تخصصی مجلس، در هر کجا که اصلاحات مورد نظر در طرح تحولات اقتصادی نیازمند قانون باشد، لایحه آن تقدیم مجلس خواهد شد.

اقتصادی، تدوین شد.

دکتر عمادزاده: پس جناب‌عالی مشکل اساسی را ساختار دولتی اقتصاد می‌بینید و معتقدید که تا ساختار اقتصاد دولتی متحول نشود نمی‌توان طرح تحول اقتصادی را در راستای موفقیت هدایت کرد؟

سلامی: اصولاً ساختاری که در چشم‌انداز دولت نهم ترسیم شده است، مشکلتر از هر ساختار دولتی دیگر است. ساختاری که در ابتدای انقلاب ترسیم شد این بود که، نه نظام بازار و نه نظام سوسیالیستی حاکم باشد، بلکه یک نظام تازه مدنظر بود که هنوز هم این ساختار مشخص نیست. تا زمانی که چارچوب این نظام مشخص نشود، هیچ طرحی در داخل آن قابل پیاده‌شدن نیست. در اکثر بحثهایی که در جوامع علمی و رسانه‌ها صورت می‌گیرد، بیشتر فرض بر حاکمیت نظام بازار است، ولی عملکرد دولت نشان می‌دهد آن چیزی که ما به‌عنوان خصوصی‌سازی می‌شناسیم، نیست. به‌عنوان مثال، بند الف سیاستهای کلی بیان می‌کند که بخش خصوصی و بخش تعاونی می‌توانند در فعالیت‌های اصل ۴۴ وارد شوند، در صورتی که پیش از این مجاز نبودند. از طرف دیگر، بخش تعاونی توان ورود به این عرصه را ندارد و بخش خصوصی هم علاقه‌ای به این اصل نشان نمی‌دهد. شاید علت این امر وجود بستر فکری است که در متن دولت دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، اصلاح نظام بانکی در طرح تحول اقتصادی غیر از این نیست که مداخلات دولت را بیشتر کند، به همین دلیل در هدفها بحث توزیع عادلانه اعتبارات مطرح می‌شود؛ در صورتی که اعتبارات باید تخصیص بهینه یابند.

همچنین باید گفت که، اصلاح نظام گمرکی همسنگ با اصلاح نظام یارانه‌ها نیست؛ زیرا با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. حتی در نظام مالیاتی پس از تصویب و ابلاغ مالیات بر ارزش افزوده



از نظر مقررات کم و کسری نداریم و در واقع نیازمند تحول اداری هستیم. از طرفی می‌خواهیم نظام جامع اطلاعاتی خود را تقویت کنیم. ولی از طرف دیگر با بانک مرکزی مواجه می‌شویم که چندین هزار میلیارد تومان چک پول جدید منتشر کرده که به طور دقیق ابزار فرار مالیاتی است! به هر حال، باید ابتدا چارچوب مفهومی و نظری دولت مشخص شود و گرنه هر دولتی که سرکار بیاید، یک چارچوب نظری برای خودش ارائه می‌کند و این خطرناک است. علت اینکه نتوانستیم علی‌رغم منابعی که داریم به جایگاه شایسته خود برسیم این است که، هر روز با یک طرز تفکر مواجه هستیم.



دکتر جامساز:

تحول اقتصادی نبود و این طرح امروز برگرفته از برنامه‌های گذشته است، اما نکته آن است که اقتصاد کشور در حال حاضر بیمار است! آمارهایی که ارائه می‌شود، نشان از مثبت بودن شاخصها دارد؛ یعنی رشد و توسعه و افزایش درآمدهای غیرنفتی را نشان می‌دهد، اما چیزی در جامعه دیده نمی‌شود و حتی شاهد افزایش تورم هم هستیم.

هر چند همه واقفند اقتصاد کشور بیمار است، ولی این بیمار را مدتی است در سی‌سی‌یو نگهداشته‌اند و درمان نمی‌کنند، در صورتی که ماندن در سی‌سی‌یو هزینه دارد و بررسیهای لازم برای درمان آن صورت نگرفته است.

تنها نکته‌ای که باعث امید است حضور آقای دکتر حسینی در سمت وزیر امور اقتصادی و دارایی است و ایشان به صورت آکادمیک و با محاسبه عدد و رقم به طرح تحول رسیدند، ولی در اجرا ما همیشه با چالشها و پیچیدگیهای بسیاری مواجه می‌شویم و ایشان با دقت و مشاهده عینی موضوعات اقتصادی در حوزه‌های یاد شده می‌تواند طرح را تعدیل کند و یا سرعت ببخشد.

در طرح تحول اقتصادی سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا معنای اصلاح نظام بانکی غیر از دخالت بیشتر دولت است؟ تنها اتفاقی که افتاده و امه‌های بنگاههای کوچک و متوسط و سهم بخش دولتی و فشار به بانکها است، در حالی که دغدغه‌ها همچنان وجود دارد و مهمتر از همه بحث استقلال بانک مرکزی است. تاکید من بر اصلاح علمی تفکر مدیران طرح تحول اقتصادی است که نگاه آنها را نسبت به آینده بدانم، آیا دنبال اقتصاد باز هستند؟ کلماتی که در طرح تحول اقتصادی آمده در سابق هم استفاده شده است از جمله واژه‌هایی چون خصوصی‌سازی، اصلاح نظام مالیاتی و ... که در تمام دنیا اتفاق افتاده است. بنابراین اگر قرار است خصوصی‌سازی کنیم، پس باید اجازه بدهیم بازار خودش را پیدا کند، و اگر

دکتر عمادزاده: آنچه که از اظهارات آقای دکتر سلامی برداشت می‌شود این است که سخنان ایشان بیشتر بر ناسازگاری و کم‌سازگاری ویژگیهای این طرح متمرکز است؛ چون اجرای طرح را در سیستمی که هنوز چارچوب‌های اقتصادی آن مشخص نیست، موفق نمی‌دانند.

دکتر ارجمندی: نکته قابل بحث این است که، اقتصاددانان ما هنوز آگاهی کامل از اینکه دولت در طرح تحول چه کاری می‌خواهد انجام دهد، ندارند؟ در نخستین گام، مهم است که بدانیم در چه نظام اقتصادی می‌خواهیم کار کنیم؟ در اوایل انقلاب، بحث اقتصاد چپ و راست و اسلامی مطرح بود تا اینکه به برنامه اول رسیدیم و می‌خواستیم با مدل اقتصاد باز، عدالت اجتماعی را در چارچوب عدالت اقتصادی به کشور تزریق کنیم و در اجرای این مهم با جنگ تحمیلی مواجه شدیم و بنا شد دولت تمام عوامل را در اختیار بگیرد تا قادر به کنترل جنگ باشد و به این ترتیب اقتصاد دولتی از ابتدای دهه ۶۰ شروع به شکل‌گیری کرد و تمام نظامهای خود را ساخت، تا به برنامه‌های سوم و چهارم توسعه رسیدیم که اگر درست اجرا می‌شدند، امروز دیگر نیازی به طرح

نظام اقتصادی دولتی بنابه تجارب تاریخی در همه کشورها نشان می‌دهد که فاقد ظرفیت‌های لازم برای پاسخگویی به نیازهای واقعی اقتصاد کشورهاست.

باتوجه به روند اقتصاد جهانی و نیاز کشورها به پیوستن به کاروان جهانی، ما ناگزیریم که به اقتصاد جهانی بپیوندیم.

طرح تحول اقتصادی در راستای تغییر نگرش دولت نسبت به اصلاحات اقتصادی، قدومین شده است.

وقتی پدیده‌ای اصلاح می‌شود، به معنی تقویت و رشد آن پدیده است، اما وقتی می‌خواهیم تحول ایجاد کنیم؛ یعنی آن پدیده را از بنیان متحول کنیم.

به جای اینکه متکی بر منابع مردمی از جمله سیاستهای درست مالیاتی باشیم نظام تأمین مالی دولت متکی بر منابع ثروت ملی است.

تفکیک منابع مالی ملت - دولت مشخص نیست و این مشکل نیز به نهادهای قانونی ما برمی‌گردد.



دولت می‌خواهد در قالب طرح تحول و اصل ۴۴ و چشم انداز ۲۰ ساله، اموال خودش را بفروشد پس تحول نیست، بلکه یک معامله است.

به نظر من فاصله فاحشی که نسبت به چشم انداز ۲۰ ساله به وجود آمده است در این امر مؤثر است؛ چراکه الان نه تنها از برنامه عقب‌تریم، بلکه در برخی از جهات شاخص‌ها و رتبه ما در منطقه از گذشته هم پایین‌تر آمده است. در جمع‌بندی این بخش از عرایض باید عرض کنم قانون‌های مان درست و کامل است و اگر عزمی پشت اصل ۴۴، چشم انداز ۲۰ ساله و برنامه چهارم توسعه باشد، همان تحول اقتصادی خواهد بود و سهم بخش خصوصی به درستی مشخص می‌شود.

دکتر عمادزاده: از سخنان آقای دکتر ارجمندی این‌گونه برداشت می‌شود که ایشان از نادانسته‌های طرح نگران هستند و این موضوع که مسیر رسیدن به مسایل کلان اقتصادی در طرح مشخص نیست، موجب نگرانی است. به عبارت دیگر چنانچه می‌توانستیم مکتوبی در دست داشته باشیم که برخی از زوایای این طرح را بیشتر روشن می‌نمود، شاید برخی از این گمانه‌زنی‌ها به اظهارنظرهای صریح‌تری تبدیل می‌شد.

دکتر ایمانی‌راد: یکی از واقعیات این است که جزئیات طرح تحول اقتصادی روشن نیست و مطرح کردن این بحث در ادبیات اقتصادی و رادیو و تلویزیون نادرست است.

آقای رئیس‌جمهور در حین انتخابات ریاست جمهوری به طور کامل از موضع پارادایم نیازهای اساسی (Basic Needs) صحبت کردند و آهسته آهسته به مکتب وابستگی کشیده شدند و الان بحثها به جایی رسیده است که با پارادایم‌هایی که در ابتدا مطرح شد، تناقض دارد. ارتباط نزدیکی که سیاستهای مزبور با بهبود وضع معیشتی مردم دارد آقای رئیس



دکتر ایمانی‌راد:

اصل خصوصی‌سازی در این است که تصمیم‌گیری را کسی اتخاذ بکند که دولت نباشد.

به سمت آزادسازی بنزین در حرکت هستیم، ولی اتفاقی که در حال رخ دادن است این است که کنترل بنزین به‌طور کامل در اختیار دولت قرار دارد.

سیاستهای معطوف به آزادسازی اقتصادی، تنها واکنش به شرایط موجود است.

طرح تحول اقتصادی در واکنش به بحرانهای اقتصادی ایجاد شده است. ولی پارادایم دولت یک پارادایم نزدیک به پارادایم وابستگی به نیازهای اساسی است.

اگر از دید دولت بخواهیم به این طرح نگاه کنیم باید معطوف به حل مسئله تورم باشد که در این صورت دیگر به اصلاح ساختار مالیاتی و اصلاح ساختار دولت نیاز نیست.

هر طرح تحولی به هر شکلی که باشد، یک‌سری پیش‌شرطها نیاز دارد.



جمهور را خیلی به پارادایم نیازهای اساسی نزدیک می‌کند بخصوص اموری چون کاهش نرخ بهره و فاصله گرفتن از نظام جهانی.

اصل خصوصی‌سازی در این است که تصمیم‌گیری را کسی انجام دهد که دولت نباشد؛ در اینجا این سوال مطرح می‌شود که در کدامیک از واگذاری‌های انجام شده، بخش خصوصی تصمیم‌گیرنده است؟ به عنوان مثال به سمت آزادسازی بنزین در حرکت هستیم، ولی اتفاقی که در حال رخ دادن است این است که کنترل بنزین به‌طور کامل در اختیار دولت قرار دارد.

بنابراین من سیاستهای معطوف به آزادسازی اقتصادی، نقدی کردن یارانه‌ها، آزادسازی بنزین و ... را ناشی از واکنش به شرایط موجود می‌دانم. شرایط موجود ۳ مؤلفه مهم دارد: اول اینکه نظام جهانی از هر جهت به سمت آزادسازی بیشتر در حال حرکت است. دوم اینکه مطرح کردن این بحثها نه تنها موجب کاهش بخشی از فشارهای داخلی است، بلکه آغازگر یک طرح تحول اقتصادی است. سوم اینکه طرح تحول اقتصادی یک واکنش به بحرانهای اقتصادی ایجاد شده است، ولی پارادایم دولت یک پارادایم نزدیک به پارادایم وابستگی به نیازهای اساسی است.

هر طرح تحولی که بخواهد ایجاد شود محورهای آن باید مشخص شود، یا معطوف به حل یک مشکل باشد و یا معطوف به دسترسی به یک هدف. باید بدانیم آیا این طرح می‌خواهد مشکلات اقتصادی را حل کند و یا اینکه ما مشکلی نداریم و در حال حرکت به جلو هستیم و تنها چند هدف را انتخاب کرده‌ایم تا طرح تحول را به آنجا برسانیم.

تصور من این است که طرح تحول اقتصادی معطوف به حل مشکل است، از نظر دولت هم مشکل در سیستم پولی و بانکی کشور است که تورم جزء لاینفک آن شده است. اگر از دید دولت بخواهیم به این طرح نگاه کنیم باید معطوف به حل مسئله تورم باشد که

در این صورت دیگر به اصلاح ساختار مالیاتی و اصلاح ساختار دولت نیاز نیست.

دکتر عمادزاده: همان‌طور که اشاره شد فلسفه ورود به طرح تحول اقتصادی، چگونگی نزدیک شدن به مسیرهای اجرایی آن، ارزیابی ما از هدفهای طرح و دارابودن بسترها و زمینه‌های لازم برای موفقیت طرح است. از زمینه‌ها همانا ناسازگاری زیرمجموعه‌ها و خرده‌نظام‌های این طرح کلی است که ما این سازگاری را بین محورهای طرح ملاحظه نمی‌کنیم.

همه علاقه‌مند به موفقیت چنین طرح‌هایی هستیم، منتها در جامعه به یک‌سری نهادهای پشتیبان احتیاج داریم تا بتوانیم طرحها را به اجرا درآوریم نظیر استقلال قوه قضاییه، استقلال بانک مرکزی، منعطف بودن بازار کار، مسئله نظامها و نهادهای تثبیت کننده و تنظیم کننده بازار و ...

این مسایل، تناقض‌هایی است که تا حدودی به آنها اشاره شد. بنابراین اگر بحث از نقدی کردن یارانه‌ها و شفاف شدن قیمت‌هاست در حقیقت تمایل خود را به مکانیزم بازار نشان می‌دهیم و اگر بحث نظام پولی و بانکی را مطرح می‌کنیم درواقع دخالت خود را در نظام بانکی و عدم تمایل به استقلال بانک مرکزی و نیز فاصله خود را از نظام بازار نشان می‌دهیم. باید دید که این ناسازگاری را چگونه می‌خواهیم حل کنیم.

دکتر جامساز: تفاوت بنیادین بین اصلاح و تحول وجود دارد. وقتی پدیده‌ای اصلاح می‌شود، به معنی تقویت و رشد آن پدیده است، اما وقتی می‌خواهیم تحول ایجاد کنیم؛ یعنی آن پدیده را از بنیان متحول کنیم، تغییر شکل دهیم و چیز جدیدی بنا کنیم.

به دلیل اینکه اقتصاد دولتی نتوانسته است کارآمد باشد و اصلاحات تاکنون قادر نبوده است به هدفهای خود برسد،



دکتر عمادزاده:

بخشی از دغدغه‌های ما به دلیل نادانسته‌های مان و بخشی دیگر به علت دانسته‌های ما از طرح تحول اقتصادی است.

نادانسته‌های ما از طرح تحول اقتصادی است که پرسشهای گوناگونی را در مقابل ما قرار می‌دهد.

هدفمند کردن یارانه‌ها یکی از خواسته‌های اساسی دولتهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است که طرح تحول اقتصادی، آن را هدفگیری کرده است.

پرداخت مستقیم یارانه‌های حامل‌های انرژی و اصلاح قیمت آنها این سوال را پیش می‌آورد که انجام همزمان هر دو اقدام که در دستور کار دولت است، چگونه تأمین مالی می‌شود؟

اجرای هر طرح اساسی اگر متکی به پژوهشهای کارشناسی و تجربه‌های اجرایی لازم نباشد، می‌تواند آثار عدم موفقیت طرح را تا حد یک معضل ملی پیش ببرد.

وقتی صحبت از تحول می‌شود آدم احساس آرامش می‌کند که شاید بناست اتفاقی بیفتد که اقتصاد دولتی، متحول شود و جهت پیدا کند. به همین دلیل وقتی آقای رئیس‌جمهور در مصاحبه تلویزیونی از اقتصاد دولتی به شدت انتقاد می‌کنند، انسان احساس می‌کند که دگرگونی در حال رخ دادن است.

از جهت دیگر هم باید نظام اقتصاد دولتی، به سمت سیستم دیگری حرکت کند؛ سیستمی که در حال حاضر مورد قبول دنیاست و دنیا بر اساس آن پیشرفت کرده نظام اقتصاد آزاد است، ولی از نظام اقتصاد آزاد هم به شدت انتقاد شده‌است، پس به کجا می‌رویم؟

اقتصادی که مورد نظر دولت است، چه اقتصادی است؟ اقتصاد مردمی چه تعریف و ساز و کاری دارد؟ جواب این پرسشها مشخص نیست.

شاید گوشه‌ای از اقتصاد مردمی همین سهام عدالت باشد؛ یعنی کمیت ناچیز مالی به دهکهای ۱، ۲ و ۳ منتقل خواهد شد، بدون اینکه مدیریت و تصدی‌گری آن منتقل شود. این همان تفکر اقتصاد دولتی است؛ یعنی پای فشردن بر همان اقتدار دولتی. درواقع به جای اینکه ما متکی بر منابع مردمی از جمله سیاستهای درست مالیاتی باشیم، نظام تأمین مالی دولت متکی بر منابع ثروت ملی است. همین جاست که اشکال اساسی وجود دارد؛ یعنی تفکیک منابع مالی ملت - دولت مشخص نیست و این مشکل نیز به نهادهای قانونی ما برمی‌گردد. به عنوان مثال در قانون محاسبات عمومی، اختیار درآمدهای نفت و گاز به دست دولت داده شده است. در این صورت تمام بودجه تأمین می‌شود و بدین ترتیب دولت به مسأله مالیات فکر نخواهد کرد و خود را هم موظف به پاسخگویی به مردم نمی‌داند؛ زیرا منابع را از جای دیگر کسب می‌کند.

این سوال مطرح می‌شود که این منابع متعلق به کیست؟ طبعاً پاسخ این است که منابع ملی است و متعلق به



مردم است. وقتی که در ابتدای انقلاب، شرکتهای دولتی را ملی کردند با این هدف بود که این شرکتها مربوط به ملت هستند و دولت آنها را اداره و درآمدزایی کند و درآمدها متعلق به مردم است، اما مالیاتی که از این درآمد نصیب دولت می‌شود درآمد ملی نیست، بلکه حقوقی است که دولت از عملکرد خود به دست می‌آورد. اگر نفت وجود دارد متعلق به ملت است، دولت اگر نفت را فروخت باید هزینه‌های خود را بردارد و بقیه را که مربوط به ملت است، برای بهبود زندگی مردم جامعه هزینه کند. بنابراین در اینجا تخصیص منابع، مهمترین مشکلی است که منشاء تمام معضلات اقتصادی است.

سلامی: حذف سه صفر از پول واحد ملی را جزو تحول اقتصادی آورده‌اند، در حالی که، چنین عملی از نظر اقتصادی تحول محسوب نمی‌شود. در این طرح از یک طرف افزایش قدرت پول ملی مطرح شده است و از طرف دیگر حذف یارانه‌ها که این دو در تضاد با یکدیگر می‌گردند. با هدفمند کردن یارانه‌ها قیمتها به طور نسبی اصلاح می‌شود که بزرگترین خدمت به اقتصاد ما خواهد بود. در طرح، هدفمندسازی یارانه‌ها مورد بحث است.

آیا می‌توان به رقم ۹۰ هزار میلیارد تومان ارزش یارانه که دولت آن را نمی‌پردازد، یارانه اطلاق کرد؟ به اعتقاد بنده خیر. آنچه که دولت از افراد می‌گیرد و به افراد دیگر می‌دهد، تعریف یارانه ندارد. در ضمن پرداخت بسیاری از یارانه‌ها به دلیل ناکارآمدی دولتهاست، به عنوان مثال، سالها اتومبیل پیکان را با سه برابر مصرف سوخت استاندارد به ملت تحویل دادیم و حال می‌گوییم مصرف ۱۶ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر یارانه است! در صورتی که این مردم هستند که به دولت یارانه می‌دهند.

۹۰ هزار میلیارد تومان را محاسبه کردند. مقدار معادل نفت، بنزین و گاز و... است که حدود ۲۷ درصد



سلامی:

تا زمانی که چارچوب نظام اقتصادی مشخص نشود، هیچ طرحی در داخل آن قابل پیاده شدن نیست.

اصلاح نظام گمرکی همسنگ با اصلاح نظام یارانه‌ها نیست؛ زیرا با یکدیگر قابل مقایسه نیستند.

علت اینکه نتوانستیم علی‌رغم منابعی که داریم به جایگاه شایسته خود برسیم این است که، هر روز با یک طرز تفکر مواجه هستیم.

در این طرح از یک طرف افزایش قدرت پول ملی مطرح شده است و از طرف دیگر حذف یارانه‌ها که این دو در تضاد با یکدیگرند.

ما باید ثروت ملی را عادلانه تقسیم کنیم و همه به نسبت استحقاق خود از این ثروت بهره‌مند شوند تا زمانی که قیمتهای حامل انرژی را اصلاح نکرده‌ایم، راه به جایی نخواهیم برد.

اقتصاد ما علامتهای غلطی به تصمیم‌گیرندگان می‌دهد. چرا باید پایین‌ترین دهک درآمدی ما تنها ۲ درصد از یارانه بنزین استفاده کند؟



تولید ناخالص داخلی کشور می‌باشد و بیان می‌کنند که مبنای محاسبه برای بنزین قیمت فوب (FOB) خلیج فارس است. یا در مورد گاز قرار بود که مبنای حداقل قیمت گاز مصرفی در کشورهای همجوار باشد، ولی در هر صورت حذف این موارد یارانه نیست، چون پرداخت نمی‌شود که بخواهد حذف شود. چیزی که صحیح است این است که، ما باید ثروت ملی را عادلانه تقسیم کنیم و همه به نسبت استحقاق خود از این ثروت بهره‌مند شوند. تا زمانی که قیمتهای حامل انرژی را اصلاح نکرده‌ایم، راه به جایی نخواهیم برد. بنابراین اقتصاد ما علامتهای غلطی به تصمیم‌گیرندگان می‌دهد. چرا باید پایین‌ترین دهک درآمدی ما تنها از ۲ درصد از یارانه بنزین استفاده کند؟

عنوان شده است که قیمتها به صورت مرحله‌ای اصلاح خواهد شد. بنابراین در هر مرحله یک شوک قیمتی صورت می‌گیرد.

البته ما نمی‌توانیم بدون افزایش نقدینگی، شوک قیمتی شدیدی وارد نماییم. بنابراین نخست باید نقدینگی را مهیا سازیم و پول در اختیار مردم بگذاریم و بعد قیمتها را بالا ببریم.

دکتر ارجمندی: بر پایه تحقیقات، دولتی بودن اقتصاد مضر است و در هیچ‌جا اقتصاد دولتی موفق نبوده است. اصلاح نظام مختلف در این راه ارائه شده که با یکدیگر همگن نیستند و نگرانی وجود دارد.

اعتقاد قاطع داریم مجری طرح نباید خود دولت باشد، یعنی رابطه کارگزینی کارگروه طرح تحول با دولت بایستی جدا باشد.

اگر فرض را بر این بگذاریم که دولت خود علاقه به خصوصی‌سازی و اجرای طرح تحول اقتصادی دارد، باید دید مدل‌هایی که برای اجرا در نظر دارند چگونه هستند. ما معتقدیم پول برای ۹۰ هزار میلیارد تومان یارانه، موجود نیست که بتوان پرداخت کرد، دهک‌های دهگانه

جامعه نیز، نتیجه ناکارآمدی دولت در چندین سال گذشته بوده است؛ زیرا وظیفه دولت استفاده بهینه از ابزارهایی است که در اختیار اوست. حال که از ابزارها استفاده بهینه نشده است، دولت برای کم کردن فاصله دهکها قصد دارد یارانه نقدی پرداخت کند که باید گفت در حال حاضر امکان پذیر نیست و با اصلاح کامل نظامهای اقتصادی شاید این امر محقق گردد.

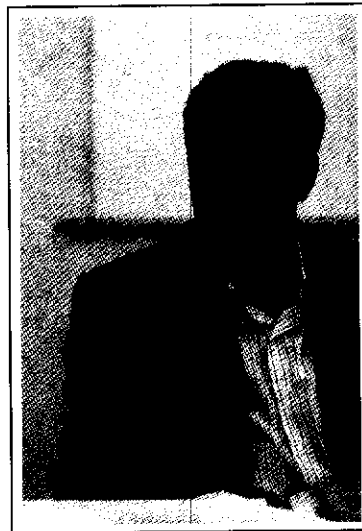
به اعتقاد من اگر دولت بخواهد این کارها را انجام دهد، باید بازار را واقعی ببیند؛ زیرا بخش خصوصی نیز در بازار هزینه سیاسی آنرا خواهد پرداخت. بهتر است دولت در چنین طرحهایی بودجه‌اش را واقعی ببیند و محل هزینه‌هایی را که در اختیارش است دقیق بررسی و شناسایی کند تا از صندوق ذخیره ارزی و متمم یا کسر بودجه استفاده نکند.

نکته مهم اینکه دولت باید آمارهای خود را اصلاح کند. در خیلی از مواقع به آمارهای متناقض از سوی مسئولان دولتی اشاره می‌شود، به طور مثال به آمارهایی که بانک مرکزی ارائه یا وزیر محترم کار در خصوص اشتغال، تورم و انحراف وام‌های زودبازده اعلام می‌کنند، می‌توان اشاره کرد.

با نقدی کردن یارانه‌ها نه تنها مشکل اساسی فاصله طبقاتی حل نمی‌شود، بلکه مشکلی که ایجاد می‌شود این است که دولت را بازهم بزرگتر خواهد کرد. علاوه بر این دولت برای پرداخت یارانه‌ها به صورت نقدی مجبور به چاپ پول خواهد بود که خود ایجاد تورم می‌کند.

دکتر عمادزاده: نظر آقای دکتر ارجمندی این است که، نقدی کردن یارانه‌ها به‌علت نداشتن زیرساخت‌های ضروری مشکلاتی را در سطح مصرف مردم به‌وجود می‌آورد، که خود عامل تورم بیشتر خواهد شد. اما درمورد نفت و گاز مطلب مهم دیگری وجود دارد. وظیفه دولت تبدیل این دارایی ملی به دارایی

دیگری برای نسل فعلی و آینده است. اینکه آیا ما حق داریم این دارایی ملی را به وجه نقد تبدیل کنیم و در اختیار مردم قرار دهیم. درحالی که می‌دانیم این پول صرف هزینه‌های جاری می‌شود و هیچ دارایی ملی دیگری در قبال آن شکل نمی‌گیرد؟



دکتر ارجمندی:

اگر برنامه‌های سوم و چهارم توسعه درست اجرا می‌شدند، امروز دیگر نیازی به طرح تحول اقتصادی نبود.

آمارها، نشان از مثبت بودن شاخصها دارد، اما چیزی در جامعه دیده نمی‌شود و حتی شاهد افزایش تورم نیز هستیم.

قوانین ما درست است و اگر عزمی پشت اصل ۴۴، چشم انداز ۲۰ ساله و برنامه چهارم توسعه باشد، همان تحول اقتصادی خواهد بود و سهم بخش خصوصی به درستی مشخص می‌شود.

وظیفه دولت استفاده بهینه از ابزارهایی است که در اختیار اوست.

با نقدی کردن یارانه‌ها نه تنها مشکل اساسی فاصله طبقاتی حل نمی‌شود، بلکه مشکلی که ایجاد می‌شود این است که دولت را بازهم بزرگتر خواهد کرد.

دکتر ایمانی‌راد: اگر طرح به این ترتیب جلو برود که بخشی از یارانه‌ها را به صورت نقدی و در طی چند مرحله به مردم پرداخت کند، آثار تورمی خیلی شدیدی نخواهد داشت. نکته دیگر این است که، باید در نظر داشته باشیم که حجم نقدینگی روبه کاهش است و به این ترتیب فشاری که نقدی کردن یارانه‌ها می‌گذارد کاملاً متفاوت خواهد بود. البته فرض من بر این است که چک‌پول‌ها وارد سیستم بانکی می‌شود (به عنوان وام به سیستم بانکی) و برگشت پیدا نمی‌کند. نقدینگی در ۱۰ ماه گذشته کاهش پیدا کرده است. وقتی در سطح عمومی جامعه و تولیدکنندگان کمبود پول را به عنوان مشکل اساسی خود مطرح می‌کنند؛ یعنی اینکه بخشی از افزایش نقدینگی در حال انتقال به بانک مرکزی است و همین امر موجب کاهش نرخ رشد نقدینگی می‌شود.

نکته دیگر این است که، در هیچ جای طرح نیامده است که چه مبلغی قرار است نقدی پرداخت شود، حتی درمورد چگونگی پرداخت و یا نقدی بودن آن هنوز بحثها روشن نیست.

کار گروههای دولت، برای استخراج سیاستها نیستند، بلکه کارگروهها برای این هستند که ابعاد طرح را درآورند. به عبارت دیگر دولت به طور کامل استقرایی عمل کرده است، در صورتی که دولت باید قیاسی حرکت کند. چرا دولت استقرایی عمل می‌کند؟ شاید به این دلیل که تئوری تحول مشخصی وجود ندارد. بنابراین به نظر بنده، نه مرحله‌بندی و نه مقدار یارانه‌ها مشخص نیست. هر طرح تحولی به هر شکلی که باشد، به یک‌سری پیش‌شرطها نیاز دارد. □

